یادداشت

پروتکل‌های صداوسیما کجاست؟

ادامه از صفحه اول

در دوره چندصدساله پس از وفات پیامبر اسلام اختلافات بین فرقه‌های مختلف اسلامی گاه و بیگاه به اشکال گوناگون حتی گاه با خشونت ظهور و بروز داشته است. در تاریخ ایران نیز نمونه‌هایی از برخی رویدادهای تلخ و ناخوشایند در این حوزه ثبت‌وضبط است. هرچند در دوره ۵۰۰ سال گذشته و پس از گسترش تشیع در ایران و گرویدن بخش بیشتری از ایرانیان به مذهب شیعه اثنی‌عشری، موضوع تفاوت‌های میان فرقه‌های اسلامی نمود بیشتری داشت. البته یک موضوع دراین‌باره درخورتوجه است که شخصیت‌های موجه اهل تشیع ازجمله اهل بیت پیامبر (ص) نزد هم‌وطنان اهل سنت نیز دارای احترام و منزلت ویژه‌ای هستند. با احتساب تحولات پس از مشروطه، نظام سیاسی حاکم در ایران بر مبنای روح مشروطه و برابری شهروندان در برابر قانون در سعی و تلاش بوده که موضوعات فرقه‌ای و مذهبی میان شیعیان و سنی‌ها به مسئله‌ای در میان شهروندان ایرانی مبدل نشود. در یکی از اسناد درباره تدوین کتاب‌های درسی تاریخ و دروس دینی در مدارس دوره رضاشاه از رشید یاسمی حساسیت‌های در نظر گرفته‌شده دراین‌باره را می‌بینیم که در عین مقیدبودن نویسنده به روایت شیعی، اما در تلاش بوده تا با احترام از صحابه پیامبر اسلام (ص) یاد شود و به‌این‌ترتیب منابع درسی به زمینه‌ای بر ایجاد اختلاف میان ایرانیان مبدل نشود.

۲- پس از وقوع انقلاب اسلامی برخی گروه‌ها در پی برجسته‌کردن دوگانه‌هایی بودند؛ دوگانه‌هایی که البته حاوی پارادوکس‌های سیاسی و معرفتی در نظام حکمرانی کشور هم بود. به صورت مشخص این تلقی‌ها ظهور علنی خود را در تولیدات هنری و تلویزیونی و حتی کتاب‌های درسی نشان داد. اتفاق روی‌داده در هفته گذشته نخستین بار نبود که موجب آزردگی خاطر مؤمنان سنی‌مذهب را فراهم می‌کرد، اما تندی و بی‌منطقی برنامه پخش‌شده و بازتاب فوری آن چیزی نبود که رئیس صداوسیما بتواند به‌سادگی از کنار آن گذر کند.

۳- اینکه سطح دریافت از مباحث تاریخی و مذهبی و حتی حکمرانی در کشور در حوزه‌های فرهنگی به چنان درجه‌ای رسیده که شخصی به خود اجازه می‌دهد به صورت علنی در شبکه‌ای پربیننده به چنین توهین‌هایی متوسل شود و در ادامه گروهی دیگر از مسئولان پخش صداوسیما نیز این برنامه را به روی آنتن برده و حتی باکی از بازتاب‌های چنین برنامه‌ای و احتمال بروز پیامدهای مخرب آن نداشته باشند، نشان از واقعیت تکان‌دهنده‌ای در کشور دارد. در ایران امروز اقلیتی هستند که خود را محق می‌دانند تا نسبت به اعتقادات دیگر هم‌وطنان به هر ابزاری متوسل شوند و در برابر اقدام خود و حتی پیامدهای آن هم چندان نگران نیست که آیا برای این گروه مصالح ملی معنایی دارد؟ این افراد کجا و تحت چه شرایطی آموزش دیده‌اند؟ هسته مرکزی اعتقادات آنان چه نسبتی با حکمرانی یک کشور با تنوعی از ادیان و مذاهب و فرقه‌ها دارد؟ چگونه این افراد به فضاهای رسمی نفوذ کرده اند؟ در چه نهادهای فرهنگی و سیاسی دیگری ردی از این دست از جریانات را می‌توان شناسایی کرد؟ پشتیبانان این افراد و این جریان چه کسانی هستند؟ آیا این جریان با برنامه، اقدامات خود را سازمان می‌دهد؟

۴- صداوسیمای رسمی کشور نخستین بار نیست که اقدام به روی آنتن بردن چنین برنامه‌های موهنی می‌کند. در برنامه‌های قبلی اعلام شد مدیر شبکه‌ای که شش سال قبل با حضور یکی از مداحان برنامه تندی علیه اعتقادات سنی‌ها پخش کرد، امروز این فرد در چه جایگاهی قرار دارد؟ در همین زمینه این پرسش طرح می‌شود که پروتکل‌ها و دستورالعمل‌های صداوسیما دراین‌باره حاوی چه نکاتی است؟ اگر این پروتکل‌ها تدوین شده، چرا شاهد چنین برنامه‌هایی هستیم؟ و اگر تدوین نشده، چرا تاکنون درباره تدوین دستورالعمل‌های لازم تعلل شده است؟ پاسخ به چنین پرسش‌هایی هرچه باشد، آنچه به‌روشنی مشخص است، این نکته بدیهی است که فاصله صداوسیمای مانند برخی دیگر از نهادهای فرهنگی کشور با منطق حکمرانی در کشوری با شرایط ایران فاصله بسیاری دارد. امر ملی در کانون برنامه‌سازی‌های این نهاد فرهنگی نیست و سلطه نگاه ابزاری و جناحی و ایدئولوژیک و گاه فرقه‌ای بر این دستگاه بزرگ رسانه‌ای و فرهنگی هزینه‌های بزرگی برای کشور تراشیده است. تا دیر نشده، برای سرو سامان‌دادن به این دستگاه پرهزینه باید فکری کرد. چرا در شرایط دشوار کشور چنین هزینه‌هایی بر کشور تحمیل می‌شود؟

انتخابات کانادا: آیا مارک کارنی کانادا را از بحران عبور می‌دهد؟

دوئل اقتصاددان و پوپولیست در سایه تهدیدهای ترامپ

شرق: درست زمانی که بریتانیا به خروج از اتحادیه اروپا رأی داده بود، موجی از عدم قطعیت اقتصادی و سیاسی جهان را فراگرفت. نخست‌وزیر بریتانیا استعفا داده بود، ارزش پوند به پایین‌ترین سطح خود در ۳۱ سال گذشته سقوط کرده و بازارهای سهام جهانی ۲٫۱ تریلیون دلار ضرر دیده بودند. در میانه این خلأ رهبری در بریتانیا و شوک مالی جهانی، یک کانادایی قدم پیش گذاشت. مارک کارنی، نخستین رئیس غیربریتانیایی بانک مرکزی انگلستان، به مخاطبان مضطرب جهانی اطمینان داد: «ما برای این شرایط به‌خوبی آماده‌ایم». او در یک سخنرانی چهار دقیقه‌ای، از «برنامه‌های اضطراری گسترده‌ای» که بانک مرکزی ماه‌ها برای تدوین آن وقت صرف کرده بود، پرده برداشت و متعهد شد در صورت لزوم، اقدامات بیشتری انجام دهد. روزنامه «آیریش‌ایندیپندنت» در آن زمان گزارش داد در «هفته‌ای پر از هرج‌ومرج»، این «سخنرانی آرام... نشان داد که دست‌کم یک فرد یا نهاد، برنامه‌ای برای مقابله با پیامدهای برگزیت دارد». تیتر آن مقاله این بود: «مارک کارنی؛ مرد لحظه‌های سخت از راه رسید».

اکنون کارنی که کمتر از دو ماه از نخست‌وزیری‌اش در کانادا می‌گذرد، در اولین انتخابات فدرال خود شرکت می‌کند. پیام اصلی کمپین او این است: تجربه‌اش در هدایت کشورها در دوران آشفتگی‌های اقتصادی، او را به مردی آزموده برای این لحظه بی‌سابقه در تاریخ کانادا تبدیل کرده است. جنگ تجاری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، تهدیدهای او مبنی بر استفاده از «زور اقتصادی» برای تبدیل کانادا به ایالت پنجاه‌ویکم و چرخش ایالات متحده به سمت نوعی حمایت‌گرایی که بیش از یک قرن دیده نشده بود، کانادا را وارد یک بحران نسلی کرده و این اقتصاددان کانادایی را به عرصه سیاست کشانده است. او در این ماه به خبرنگاران گفت: «اگر بحرانی نبود، مارک کارنی هم در این انتخابات نبود».

بازگشت شگفت‌انگیز لیبرال‌ها

به نظر می‌رسد تاکنون این رویکرد مؤثر بوده و لیبرال‌ها به رهبری کارنی در آستانه یک بازگشت چشمگیر قرار دارند. پس از نزدیک به یک دهه قدرت، حزب لیبرال با اختلاف دورقمی از محافظه‌کاران به رهبری پیر پویلیِوْر عقب بود و زمانی که جاستین ترودو در ماه ژانویه از نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد، به سمت یک شکست تاریخی پیش می‌رفت. اما استعفای ترودو، انتخاب کارنی به عنوان جانشین او و تهدیدهای ترامپ، زلزله‌ای در سپهر سیاسی کانادا ایجاد کرد. در عرض چند ماه، برتری بیش از ۲۰درصدی محافظه‌کاران از بین رفته است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند اگرچه رقابت تنگاتنگ شده، اما اکنون لیبرال‌ها شانس بیشتری برای پیروزی در انتخابات دارند و حتی ممکن است برای اولین بار از سال ۲۰۱۵، اکثریت پارلمانی را به دست آورند. دیوید کولتو، رئیس مؤسسه نظرسنجی «اباکوس دیتا» می‌گوید: «مارک کارنی واقعا در زمان مناسبی از راه رسید. کاملا به نظر می‌رسد که او برای این لحظه ساخته شده است».

از هاروارد تا بانک مرکزی انگلستان

کارنی در فورت‌اسمیت، شهری در نواحی شمال غربی کانادا، به دنیا آمد و در کودکی به ادمونتون در آلبرتا نقل مکان کرد. او در دانشگاه هاروارد در بوستون تحصیل و هاکی روی یخ بازی کرد و دکترای اقتصاد خود را از دانشگاه آکسفورد انگلستان گرفت؛ جایی که با همسرش، دایانا فاکس کارنی، آشنا شد. آنها چهار فرزند دارند. کارنی بیش از یک دهه در غول مالی گلدمن‌ساکس کار کرد تا اینکه آگهی استخدامی در مجله اکونومیست توجهش را جلب کرد. بانک مرکزی کانادا به دنبال معاون رئیس بود و او درخواست داد و این شغل را به دست آورد. در سال ۲۰۰۷، هم‌زمان با شکل‌گیری شرایطی که به بحران مالی جهانی منجر شد، نخست‌وزیر محافظه‌کار وقت، استفان هارپر، کارنی را به ریاست بانک مرکزی کانادا منصوب کرد؛ پستی معادل ریاست فدرال رزرو آمریکا. کانادا در دوران فروپاشی اقتصادی جهانی بهتر از دیگر کشورهای گروه هفت عمل کرد و کارنی مورد تحسین جهانی قرار گرفت. هنگامی که در سال ۲۰۱۱ به ریاست یک نهاد نظارتی مالی جهانی منصوب شد، مجله «مکلینز» او را «کانادایی استخدام‌شده برای نجات جهان» نامید.

البته همه از مدیریت او راضی نبودند. زمانی که کارنی از قوانین سخت‌گیرانه‌تر برای جلوگیری از فجایع آینده حمایت کرد، جیمی دایمن، مدیرعامل جی‌پی مورگان چیس، در جلسه‌ای کارنی را سرزنش کرد و تغییرات پیشنهادی را «ضدآمریکایی» خواند. کارنی چند روز بعد در یک سخنرانی، بدون نام‌بردن از کسی، گفت: «اگر برخی نهادها امروز احساس فشار می‌کنند، به این دلیل است که برای مدتی طولانی، کار بسیار کمی انجام داده‌اند». میزان نقش کلیدی کارنی در دوران بحران، یکی از موضوعات مورد بحث در طول مبارزات انتخاباتی بوده است. هارپر، کارنی را متهم کرد که اعتبار کارهایی را که «کمترین یا هیچ ارتباطی با او نداشته‌اند» به خود نسبت می‌دهد و از پویلیِوْر حمایت کرد. کارنی گفته است که هارپر به او پیشنهاد وزارت دارایی را داده بود؛ هارپر این موضوع را تکذیب نکرده است. در سال ۲۰۱۲، دولت محافظه‌کار بریتانیا به نخست‌وزیری دیوید کامرون، کارنی را برای ریاست بانک مرکزی انگلستان انتخاب کرد؛ اولین فرد خارجی در تاریخ بیش از ۳۰۰ساله این نهاد. هارپر از کارنی برای «کار فوق‌العاده‌اش» تمجید کرد.

کارنی با سطحی از شناخت عمومی وارد بریتانیا شد که برای بیشتر نخست‌وزیران کانادا، چه رسد به رؤسای بانک مرکزی آن، غیرمعمول بود. او پای ثابت مطبوعات بریتانیا بود که او را «ترکیبی از ستاره هالیوود و خوره بازارهای مالی» می‌نامیدند. البته انتقاداتی هم به او وارد شد. پس از آنکه به نظر رسید پیام‌های متناقضی در مورد نرخ بهره می‌دهد، یک نماینده حزب کارگر، بانک مرکزی انگلستان را «دوست‌پسر غیرقابل اعتماد» خواند. حامیان برگزیت زمانی خشمگین شدند که او ماه‌ها قبل از همه‌پرسی ۲۰۱۶، خروج از اتحادیه اروپا را «بزرگ‌ترین خطر داخلی برای ثبات مالی» معرفی کرد. ریچارد پورتس، استاد اقتصاد در مدرسه بازرگانی لندن، می‌گوید: «او آن‌قدر درایت و شجاعت داشت که بگوید خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به اقتصاد این کشور آسیب می‌زند، چیزی که کاملا واضح بود و ثابت هم شد. در مجموع، دوران ریاست او بسیار موفقیت‌آمیز بود». کارنی در کتاب سال ۲۰۲۱ خود با عنوان «ارزش(ها): ساختن دنیایی بهتر برای همه»، نوشت وقتی بازارهای مالی معتقد بودند رأی‌دهندگان ماندن در اتحادیه اروپا را انتخاب می‌کنند، بانک مرکزی انگلستان خود را برای عکس آن آماده کرد و دستورالعملی چند صد صفحه‌ای برای کاهش خطرات سناریوهای مختلف تهیه کرد. او نوشت: «داشتن برنامه بهتر از نداشتن آن است».

مرد مالی در کارزار سیاسی

اینکه آیا کارنی ۶۰ساله ممکن است وارد سطح اول سیاست شود، مدت‌ها بود که مورد بحث قرار می‌گرفت. در سال ۲۰۱۲، در بحبوحه یکی از همین دوره‌های گمانه‌زنی، او گفته بود: «چرا دلقک سیرک نشوم؟»؛ اما امسال این جهش را انجام داد. برای این تازه‌کار سیاسی، کارزار انتخاباتی حکم غسل تعمید با آتش را داشته است. پویلیِوْر یک سیاستمدار پوپولیست و حرفه‌ای است که استعداد خاصی در به هیجان آوردن جمعیت و زدن طعنه‌های نیش‌دار دارد. کارنی سنجیده‌تر عمل می‌کند. او پاسخ سؤالات را با ذکر تعداد نکاتی که قصد دارد بیان کند آغاز می‌کند و سپس یک‌به‌یک به آنها می‌پردازد. کولتو، نظرسنجی‌گر، می‌گوید در بحبوحه هرج‌ومرج و عدم قطعیت ترامپ، «ملایمت او یک فضیلت است». لوری ویلیامز، دانشمند علوم سیاسی در دانشگاه مونت رویال آلبرتا، می‌گوید: «او هنوز هم بسیار اهل سیاست‌گذاری است و این در مبارزات انتخاباتی‌اش بسیار مشهود است. اما او همچنین به طور باورنکردنی سریع یاد می‌گیرد». در یکی از تجمعات، زنی فریاد زد: «رهبری‌مان کن، پدر بزرگ!». او خندید و به «شور و اشتیاق» آن زن اشاره کرد. هنگامی که معترضان ادعا کردند او توسط مجمع جهانی اقتصاد «کنترل می‌شود»، او انگشتانش را روی گوشی نامرئی گذاشت و به طعنه گفت «منتظر دستورات است».

چالش‌ها و فرصت‌ها

کارنی خود را به عنوان یک چهره بیرونی و فردی قابل اعتماد معرفی کرده که شباهتی به ترودو و مصیبت‌هایی که بر سر کانادا آوار کرد، ندارد. یکی از اولین اقدامات او به عنوان نخست‌وزیر، لغو مالیات کربن مصرف‌کننده ترودو بود که یکی از مؤثرترین اهداف پویلیِوْر را از کارزار انتخاباتی حذف کرد (کارنی در کتاب خود نوشته بود این مالیات «الگویی» برای جهان است). مخالفان سعی کرده‌اند او را به عنوان «درست مثل جاستین»، نخبه‌ای که خودش خرید مواد غذایی‌اش را انجام نمی‌دهد، معرفی کنند. آنها کار او برای یک شرکت مدیریت دارایی را زیر سؤال برده و گفته‌اند سبد سهام او، که آن را به یک امانت‌دار سپرده، او را در معرض تضاد منافع قرار می‌دهد. کارنی گاهی از سؤالات مربوط به دارایی‌هایش برآشفته شده است.

بااین‌حال، تعداد کمی از این انتقادات مؤثر بوده است. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند رأی‌دهندگان کارنی را بهترین فرد برای مدیریت روابط با ترامپ می‌دانند؛ یکی از موضوعات اصلی کمپین. او دست‌کم از سال ۲۰۲۱ هشدار می‌داد وابستگی کانادا به بازارهای ایالات متحده «ناسالم» است. او متعهد شده است که شرکای تجاری کانادا را متنوع کند و برای یک رابطه تجاری و امنیتی جدید با واشنگتن مذاکره کند.

کارنی همچنین از ظهور یک ائتلاف ضدپویلیِوْر سود می‌برد. رأی‌دهندگان چپ میانه که معمولا از دموکرات‌های جدید یا بلوک کبکوا حمایت می‌کنند، تا حدی برای جلوگیری از به قدرت رسیدن این پوپولیست، به لیبرال‌ها روی آورده‌اند. شعار «اول کانادا» و لفاظی‌های ضد «ووک» (ضد بیداری اجتماعی) پویلیِوْر، مقایسه‌هایی را با ترامپ برانگیخته است؛ کسی که حملاتش به کانادا باعث ایجاد حس اتحاد ملی شده است. کاترین شریدان معمولا به دموکرات‌های جدید رأی می‌دهد، اما در این انتخابات اولویت او جلوگیری از پیروزی محافظه‌کاران است. او می‌گوید پویلیِوْر از «تاکتیک‌های مشابه» ترامپ استفاده می‌کند و با برنامه او برای قطع بودجه رسانه عمومی کانادا مخالف است. این زمین‌شناس ۵۶ساله می‌گوید: «برای مبارزه برای دموکراسی، لازم است به کارنی رأی دهیم».

دفاع از حاکمیت کانادا موضوع اصلی برای لوئیس پاورز است. او می‌گوید نگران است که جنگ پویلیِوْر علیه «ووکیسم» در عمل به چه معنا خواهد بود و تجربه بین‌المللی کارنی او را به سمت لیبرال‌ها کشانده است. پاورز ۶۵ساله می‌گوید: «او واقعا می‌فهمد که در سیاست جهانی چه می‌گذرد و با تمام اتفاقاتی که اکنون در حال رخ‌دادن است، فکر می‌کنم این صدایی است که کانادا واقعا به آن نیاز دارد».

یادداشت

اصلاح انتظارات کلید توسعه بازار

ادامه از صفحه ۴

آنچه تا اینجا خوانده‌اید مقدمه‌ای است برای مواجهه شما با این پرسش: آیا نام آقای پل اتکینز Paul S. Atkins رئیس جدید کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا برای شما آشناست؟ آیا در میانه این کشمکش نام خانم لین مارتین Lynn Martin مدیرعامل بورس نیویورک یا خانم آدنا فریدمن Adena T. Friedman مدیرعامل بورس نزدک، به گوش شما رسیده است؟ گمان نمی‌کنم نام این افراد برای شما آشنا باشد، زیرا در اخبار اقتصادی چندان نامی از آنها به میان نیامده است، چون رئیس‌جمهور آمریکا اصولا آنها را در صعود و سقوط شاخص‌های بورس مؤثر نمی‌داند؛ او انگشت خود را به سوی جروم پاول نشانه رفته و برای صعودی‌کردن بورس به دنبال کاهش نرخ بهره است نه اقدامی از سوی کمیسیون بورس اوراق بهادار یا بورس نیویورک یا نزدک. حال بیایید روند بورس‌های اوراق بهادار از دوم تا نهم آوریل یعنی تقریبا ۲۰ روز پیش را مرور کنیم. در دوم آوریل، آقای دونالد ترامپ در کنفرانسی مطبوعاتی صفحه بزرگی در دست گرفت و در برابر خبرنگاران از تعرفه‌های تجاری عجیب و غریب خود، پرده برداشت. او در روزی که روز آزادی Liberation day نامید، جنگ تجاری بی‌سابقه‌ای را آغاز کرد و جهان را در بهت و حیرت فروبرد. بهای این حیرت، سقوط بیشتر بورس‌های اوراق بهادار از جمله نیویورک و نزدک، افزایش بی‌سابقه قیمت طلا و البته افزایش احتمال بروز رکود تورمی در آمریکا بود. بی‌ثباتی سیاست‌گذاری شاید ابزاری برای چانه‌زنی رئیس‌جمهور آمریکا باشد، اما از دید سرمایه‌گذاران، عاملی برای افزایش ریسک است و آنها را به سوی دارایی‌های کم‌ریسکی همچون طلا هدایت می‌کند.چند روز بعد یعنی در هفتم آوریل، آقای ترامپ مهلتی ۹۰ روزه برای اعمال تعرفه‌های تجاری داد و البته چین را از این امر مستثنا کرد. شاخص بورس‌ها پس از آن افت شدید، روندی صعودی در پیش گرفتند و بخشی از سقوط چند روز گذشته را جبران کردند. اعلام یک سیاست تجاری روند تمامی بورس‌ها را نزولی و پس از توقف آن، روندها را صعودی کرد.

کوتاه سخن آنکه اگر در جست‌وجوی دلایل افت و خیز بورس و شاخص‌های آن هستیم باید نظر به متغیرهایی خارج از آن بیندازیم. دلایل صعود و سقوط بورس‌ها برون‌زا هستند نه درون‌زا. نرخ بهره، سیاست‌های پولی و مالی، مراودات تجاری، تورم، نرخ ارز، رونق و رکود اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی، شرایط سیاسی و مسائل ژئوپلیتیک، متغیرهای اصلی جهت‌دهنده صعود و نزول بازار سهام هستند. ریزساختارهای بورس همچون دامنه نوسان، فازهای معاملاتی، مکانیسم‌های کنترل قیمت، چگونگی بستن و بازگشایی نمادها، سازوکار افشای اطلاعات و مواردی از این دست، روند کلی بازار را شکل نمی‌دهند؛ بلکه در کارایی آن مؤثر هستند. ازاین‌رو مسئولان بازار سرمایه و بورس، اصولا نقشی در تعیین روند صعودی یا نزولی بازار ندارند؛ اما درباره کارایی و توسعه بازار باید پاسخ‌گو باشند. نه شرایط صعودی بورس موجبات قدردانی از مسئولان بازار سرمایه را فراهم می‌کند و نه افت بازار و نزول شاخص‌ها دلیلی برای سرزنش آنها به شمار می‌آید. اگر خواست ما از مسئولان بازار، صعود شاخص‌های بورس باشد، آنها را وادار به انجام اقداماتی خواهیم کرد که اصولا در حیطه توان و اختیاراتشان نیست و چه بسا این خواسته ما، آنها را از انجام وظایف ذاتی‌شان دور کند. مسئولان بورس باید درمورد افزایش کارایی بازار و توسعه آن پاسخ‌گو باشند و تلاش خود را معطوف به راه‌اندازی ابزارها و نهادهای مالی جدید، ایجاد بازارهای نوین، ارتقای سواد مالی، طراحی روش‌های نوین تأمین مالی و موارد مشابه کنند. اصلاح انتظارات ما از مسئولان بازار سرمایه، گامی بلند و البته ضروری برای توسعه بازار سرمایه ایران است؛ از آنها توسعه بازار و افزایش کارایی آن را طلب کنیم نه صعود شاخص را و بدانیم که سرچشمه روند بازار، خارج از رود خروشان بورس است.

آگهی انتخاب پیمانکار
سرویس ایاب و ذهاب

شرکت فردا دیزل موتور واقع در استان قم، سلفچگان، کیلومتر ۲ جاده سلفچگان به دلیجان ، منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان (گمرک) ، خیابان استاندارد قطعه D۳۳۶، در نظر دارد اقدام به عقد قرارداد پیمانکاری با اشخاص حقیقی یا حقوقی حائز شرایط در جهت تامین سرویس ایاب ذهاب پرسنلی (مینی بوس و اتوبوس) نماید.
لذا از متقاضیان محترم درخواست می گردد در صورت تمایل به همکاری حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۹ با مراجعه حضوری به آدرس فوق الذکر شرکت، واحد اداری، جناب آقای حسینی به شماره تماس: ۰۹۱۲۰۹۵۵۰۶۷ (همه روزه از ساعت ۰۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰)
اقدام به مذاکره و ارائه پیشنهاد ریالی فرمایند.

آگهی برای اصلاح سند زمین به شماره ۱۹۴۱۴۹ واقع در بخش ۱۲ تهران به پلاک ثبتی ۱۷۴/۷۰ اصلی به متراژ ۵۳۰۰ مترمربع شش دانگ که به نام خانم **سیمین قاسمی طاری** میباشد. چنانچه کسی نسبت به متراژ و یا اصلاح سند ایشان اعتراضی دارد ظرف مدت یکماه همراه مدارک به اداره ثبت کهریزک مراجعه یا با شماره ۰۹۳۸۱۱۱۱۰۵۴ تماس بگیرد.

پروانه کسب بازی های تفریحی غیر رایانه ای به شماره ۰۴۶۷۹۱۰۸۱۳ متعلق به **سینا ربیع** فرزند ابوالفضل به شماره ملی ۰۹۲۴۸۵۳۴۴۱ در تاریخ ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ مفقود شده و فاقد اعتبار است.

مدرک تحصیلی اینجانب **سید کیوان موسوی قلی بیگلو** فرزند میرشهاب با کدملی ۱۴۶۵۳۸۸۶۳۱ در مقطع کاردانی رشته مکانیک(نقشه کشی صنعتی) صادره از دانشگاه آزاد ابهر به تاریخ ۱۳۸۱/۰۶/۳۰ مفقود گردیده است. از یابنده تقاضا می گردد اصل مدرک را به دانشگاه آزاد ابهر به آدرس زنجان ابهر دانشگاه آزاد ابهر تحویل دهد.

«آگهی‌فقدان‌سندمدرک‌تحصیلی»
بدین وسیله **اینجانب سعید شفایی** فرزند جعفر به کد ملی ۰۰۵۴۹۱۸۳۱۶ اعلام میدارم مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی صادره از دانشگاه تربیت مدرس متعلق به اینجانب مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

برگ سبز **خودرو سواری سیستم پژو تیپ PARSTU5** رنگ سفید - روغنی مدل ۱۳۹۹ به شماره پلاک ایران ۸۴_۴۷۹ ق ۱۵ و شماره موتور 181B0119647 و شماره شاسی NAAN11FE3LU284833 به نام **آقای احسان شجاعی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز و سند کمپانی **خودرو وانت سیستم پیکان تیپ** 1600HV رنگ سفید شیری مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ایران ۹۴_۶۹۸ ق ۳۷ و شماره موتور 118P0054619 و شماره شاسی NAAA36AAVEG659390 به نام **آقای پیمان مجنونپور** در آگاهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو کامیون باری چوبی سیستم ایسوزو تیپ NPRVOL رنگ سفید شیری مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ایران ۸۴-۷۳۶ ع ۶۳ و شماره موتور ۸۵۸۶۴۷ و شماره شاسی NAG089NPRF26127 به نام **آقای محسن معصومی گشنوئی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز کارت و سند کمپانی **خودرو وانت مزدا** رنگ نقره ای متالیک مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۳۸-۳۳۲ ق ۴۸ و شماره موتور ۳۸۴۶ و شماره شاسی NAGP2PC31JA502953 بنام **علیرضا توانگری برزی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد